

روحانیان و پویایی فرهنگی ملت ایران

● علی داریابی *

چکیده

نویسنده در این پژوهش با نگاهی نو، به ارائه تعاریف، مفاهیم و کلید واژه هایی چون روحانی، مجتهد، حوزه علمیه، فرهنگ و... به ارزیابی نقش روحانیان در پویایی فرهنگی ملت ایران قبل، حین و پس از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته است. محقق در تلاشی مجدانه و رعایت انصاف که از شاخص ترین ویژگی های یک اثر علمی است به خدمات و تأثیرگذاری نهاد روحانیت در ایران اشاره کرده و با هدف کارآمدی به آسیب شناسی آن نیز پرداخته است. این بررسی متکفل مباحثی چون پیوند روحانیت با مردم، همکاری حوزه و دانشگاه، پیوند مذهب و سیاست و الزام روحانیت در مشارکت سیاسی، تعیین ادوار حضور روحانیت در عرصه فرهنگ و اجتماع در ایران قبل و بعد از انقلاب و تقسیم بندی گرایش های غالب در روحانیت پس از نهضت اسلامی ۱۵ خرداد، می باشد. پژوهشگر با رویکردی تازه به تبیین نقش آفرینی روحانیت در چهار دوره پس از انقلاب اسلامی: دوره تأسیس و ایجاد نظام (۱۳۶۰-۱۳۵۷)، دوره استقرار نظام (۶۸-۱۳۶۰)، دوره ثبات نظام (۷۶-۱۳۶۸) و دوره چهارم (از دوم خرداد ۷۶ تا کنون) پرداخته و خدمات و آسیب های هر دوره را تبیین و ارزیابی کرده است.

نویسنده بر این باور است که بخش عمده آثار مکتوب در عرصه فرهنگ دینی متعلق به روحانیت است. استقلال واقعی ایران در طول تاریخ مدیون روحانیت و حضور آن در صحنه بوده است. هرگاه تمامیت ارضی، استقلال و منافع ملی کشور به خطر افتاده است روحانیت در دفاع و پاسداری از آن نقش

اول را ایفا کرده است. و در عین حال همواره بر لزوم بازنگری و آسیب‌شناسی در سازمان روحانیت به دست خود روحانیون تأکید کرده است، چرا که راز ماندگاری و حفظ جایگاه روحانیت در این نکته کلیدی نهفته است.

الف) تعاریف

روحانی: در لغت منسوب به روح است و روح و روان مربوط می‌شود. پارسا و اهل صفا، فقیه، دانشمند و پیشوای مذهبی؛ و منظور از روحانی علما و فقها و پیشوایان دینی است.^۱ آن دسته از علمای روحانی که مردم در تکالیف شرعی از آنان پیروی می‌کنند را «مراجع تقلید»^۲ می‌نامند. و «مجتهد» نیز در لغت کسی است که در به کار انداختن قوای ذهنیش، کمال جد و جبهه را دارد و اصطلاحاً به عالمی اطلاق می‌شود که احکام فقهی را از منابع اصلی استنباط و استخراج می‌کند.^۳

«حوزه‌های علمیه» مراکز تحصیل و تدریس طلاب و دانش پژوهان علوم دینی است و بالأخره «مساجد» مرکز اقامه نماز، تعلیم و تربیت، بیان مواظب اخلاقی و نیز سنگری است که در اختیار روحانیت قرار دارد تا ارتباط فراگیر و گسترده‌ای با مردم داشته باشند؛ چرا که ایفای نقش مردم در صحنه‌های مختلف جامعه لازم است.

«فرهنگ» مجموعه‌ای از نمادها و معانی، که طی حیات طولانی یک جامعه و در بطن تحول تاریخی شکل گرفته است را فرهنگ می‌گویند. این پدیده از حضور حیات فردی و جغرافیایی، تا عوامل جهانی و بین‌المللی تأثیر می‌پذیرد و سرانجام به عادات و تمایلات جامعه تبدیل می‌گردد. از نظر جامعه‌شناسان، فرهنگ بیانگر نگرش ما به دنیا و تفکرمان درباره تمام ابعاد زندگی، اعم از مادی یا معنوی! ارزش‌ها، هنجارها، دانشها، هنرها، عاطفه‌ها، سلیقه‌ها، خلیات، آداب و رسوم و قوانین را در برمی‌گیرند و همین ویژگی‌هاست که سبب تمایز جوامع از یکدیگر می‌گردد.^۴ برخی از پدیده فرهنگ، کارکرد هویت‌بخشی، آفرینش خودآگاهی جمعی و فردی، احساس همبستگی و انسجام اجتماعی را انتظار دارند.^۵

ب) پیوند روحانیت با مردم:

روحانیت در تاریخ ایران همواره نقش حاملان فرهنگ را داشته و از نظر جایگاه نیز، در

مقام برجسته‌ای قرار داشته‌اند. در تاریخ ایران پس از اسلام و گرایش ایرانیان به مذهب تشیع، گویی میان روحانیت شیعه و مردم، پیوندی ناگسستنی وجود داشته است؛ به گونه‌ای که نظریه رایج در جامعه ما، درباره روحانیت چنین است که، «روحانیت، به عنوان سازمان رهبری کننده مردم و گروهی از افراد هستند که پیشرفت یا انحطاط جامعه را با روحانیت در ارتباط می‌دانند.^۶

تاریخ معاصر ایران مشحون از حضور روحانیان و مجتهدان بزرگی است که همت خود را صرف «بیداری و آگاه سازی مردم» کرده‌اند. در گذشته تاریخ ایران؛ هنگامی که علم و دانش گسترش نیافته بود و بی‌سوادی بیداد می‌کرد، امکانات تعلیم و تربیت محدود، و در اختیار طبقات خاص چون اشراف و درباریان بود؛ نهاد روحانیت در حوزه‌ها و مدارس علمیه پذیرای مشتاق طالبان علم و معرفت بود.

در گذشته «مکتب خانه‌ها» نقش مهمی در آموزش علم و دانش به مردم و آشنایی جامعه با مفاهیم دینی و قرآن داشتند. توجه به امر سواد و دانش در میان روحانیت در ایران به قدری فراگیر و گسترده بود که به هنگام احداث و آغاز فعالیت دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی که نماد آموزش عالی در ایران محسوب می‌گردید - برای تدریس دروس از جمعی از اساتید و فرهیختگان حوزه‌های علمیه دعوت کردند و این امر، بیانگر جایگاه و منزلت علم و دانش در میان روحانیت بوده است.

«برخوردار بودن از دانش» «تقلید از مراجع تقلید» و «نقش بیدار کننده روحانیت در جامعه»، «پاسداری از قرآن و مذهب» و بالاخره «دفاع از حقوق مردم» موجب گردیده است که از دیر باز، میان روحانیت و مردم رابطه مرید و مرادی وجود داشته باشد و مردم روحانیان را نماد دفاع از دین و حقوق مردم بشناسند.^۷

ج) پیوند مذهب و سیاست:

برای تبیین جایگاه و نقش روحانیت در اجتماع، پرداختن به این پرسش که اساساً، میان مذهب و سیاست چگونه پیوندی وجود دارد، که موجبات حضور گسترده روحانیون در جامعه گردیده است، ضروریست. پاسخ آن است که «اندیشه سیاسی»، فعالترین حوزه از حیات فکری مسلمانان در دو قرون اخیر بوده است. همچنین مبارزات استقلال طلبانه برای حاکمیت نظام دینی و داشتن برنامه‌ای جامع برای اداره زندگی مسلمانان توسط

دین اسلام نیز باید مورد توجه قرار گیرد.^۸ علاوه بر این باید دلایل دیگری را در تأثیرگذاری حضور روحانیت در صحنه سیاست و اجتماع مورد بررسی قرار داد؛ چرا که اگر جان و جوهر سیاست همانا هنر زیستن و کارکردن با دیگران است، از پنج رکن [نمان، روزه، زکات، حج، جهاد] چهار رکن مناسب اعتلای روحیه همکاری و انسجام گروهی در میان پیروان آن است. همچنین اگر جان و جوهر سیاست، تلاش در پی کسب قدرت باشد، باز هم به سختی می‌توان جهان بینی سیاسی‌تر از اسلام پیدا کرد. دلیل ساده‌تری هم برای همبستگی اسلام با سیاست به عنوان هنر حکومت وجود دارد، «امر به معروف و نهی از منکر» و تلاش برای دفاع از حکومت مورد نظر و مخالفت با حکومت مخالف دین را نیز باید به این فهرست اضافه کرد.^۹ اگر مشروعیت حکومت از نظر شیعه را با امام معصوم (ع) مرتبط بدانیم، آنگاه «اسلام شیعی» و نقش آفرینی «روحانیت» در آن معنا و مفهومی خاص می‌یابد، چنین نظریه و جایگاهی، ما را به دو هزار و دویست سال قبل رهنمون می‌سازد.^{۱۰}

این منزلت و جایگاه، اختیارات و صلاحیت ویژه‌ای را به شیعه اعطا می‌کند که با تکیه بر عنصر «اجتهاد» توأمان، وظیفه و اختیار مهمی را متوجه روحانیت می‌سازد. در تاریخ سیاسی ایران معاصر در عصر صفویه، پس از گذشت بیش از شش قرن از زمان غیبت، برای اولین بار شاهد شکل‌گیری حکومت فراگیر شیعی هستیم. در عصر قاجار، علما با صدور فتوای جهاد و تشویق و ترغیب مردم برای پیوستن به جنگ، نقش بااهمیتی پیدا می‌کنند. فتوای میرزای شیرازی در تحریم استعمال توتون و تنباکو را می‌توان نقطه عطف عصر جدید در زندگی اجتماعی روحانیت برشمرد. اما وضعیت روحانیت در دوران پهلوی، شرایط دیگری یافت. دوران رضاشاه اوج سرکوب و انزوای روحانیت است. از سال ۱۳۰۵ ه. ش به بعد، با کشف حجاب زنان، تغییر لباس مردان، تأسیس محاکم عرفی و تشکیلات دادگستری موجبات خروج بسیاری از مناصب حقوقی و قضایی از دست روحانیان فراهم می‌شود. به علاوه گسترش ناسیونالیسم افراطی ایرانی، نوعی بی‌اعتنایی نسبت به مذهب و حاملان دین [روحانیت] را به دنبال داشت. در سال‌های ۲۲-۱۳۲۰ با سقوط رضاشاه، نیروهای اجتماعی-سیاسی سرکوب، و روحانیون آزاد شدند و بدین ترتیب، بخشی از نفوذ از دست رفته خود را، دوباره به دست آوردند. بنابراین، نهضت ملی شدن نفت، مرهون ائتلاف نیروهای مذهبی و ملی به

رهبری آیت الله کاشانی بود... از سال ۱۳۴۲ به دلیل «نوسازی به سبک غربی» که پیامدهای آن تخریب باورهای دینی و نادیده انگاشتن ارزشها، تضییع حقوق مردم و... بود، واکنش منفی بخشهایی از روحانیت به رهبری حضرت امام خمینی (ره) برانگیخته شد که خود سرآغاز نهضت اسلامی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ گردید.^{۱۱} از این تاریخ تا پیروزی انقلاب اسلامی شاهد شکل‌گیری سه نوع گرایش، از سوی روحانیان در ایران هستیم:

اول: روحانیت متعهد و مبارز به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، که این گرایش، خواهان استقرار حکومت اسلامی به جای حکومت سلطنتی بود.

دوم: روحانیت متحجر و واپسگرا، که نحله‌های فکری در حوزه‌های علمیه از جمله قم و انجمن حجّتیّه را می‌توان در این بخش جای داد. این گرایش مخالف هر گونه مبارزه با رژیم شاه بود، و به نوعی قیام در زمان غیبت امام زمان (عج) را جایز نمی‌دانست. سوم: روحانیت درباری و سلطنت طلب که در رأس این جریان، آیت الله سید کاظم شریعتمداری قرار داشت. این گرایش وجود سلطنت و حکومت شاه را پناهی برای اسلام در برابر هجوم کمونیسم برمی شمرد و شاه را «ظل الله» می‌دانست.

روحانیت قبل از انقلاب اسلامی، بدین سان به نقش‌آفرینی و ایفای رسالت خود همت گماشت؛ هر چند که با موانع و مخالفت‌هایی مواجه بود؛ اما این حضرت امام خمینی (ره) بود که توانست با نظریه‌پردازی «حکومت اسلامی» بر پایه «ولایت فقیه»، به اثبات نامشروع بودن حکومت سلطنتی و لزوم قیام ملت برای اقامه حکومت اسلامی بپردازد. ایشان با همکاری یاران و همراهان خود و همچنین حضور فراگیر مردم توانستند، قیامی را که از خرداد ۱۳۴۲ آغاز شده بود، در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بر پیروزی برسانند. که ثمره آن (جمهوری اسلامی) بود. بنابراین، برای نخستین بار، در پرتو یک حکومت، «جمهوریت و اسلامیت» به صورت نهادینه شده و قاعده‌مند در تاریخ ملت ایران شکل گرفت و روحانیت نیز در این جریان، به پویایی فرهنگی و سیاسی ملت ایران همت گماشت و اندیشه‌هایی چون؛ نامشروع دانستن رژیم سلطنتی، لزوم مبارزه و مجاهده با بیگانگان برای تحقق استقلال واقعی، دفاع از حقوق ملت که اوج آن در بیگانه‌ستیزی [استعمار و استثمار] و استبداد تبلور می‌یافت، به جامعه تسری یافت.

سیل خروشان ملت، رژیم دو هزار و پانصد ساله سلطنتی را خاتمه یافته تلقی کردند

د) روحانیت پس از انقلاب اسلامی:

پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی - که نماد اصلی آن حکومت دینی به رهبری ولایت فقیه بوده به ویژه آنکه رهبری انقلاب، با حضرت امام خمینی (ره) و نهضت نیز با روحانیت بوده است - موجب احراز جایگاه ویژه برای روحانیت در ایران شد. در یک دسته بندی کلی ادوار حضور روحانیت در ایران پس از انقلاب اسلامی را به چهار دوره می توان تقسیم کرد:

دوره اول: تأسیس و ایجاد نظام:

در این دوره روحانیت در زمره معمار و طراح اصلی، ایفای نقش می کند. تدوین قانون اساسی و طراحی ساختارهای مورد نیاز کشور، به ویژه نظام قضایی را، باید مورد تأکید قرار داد. شهیدان و الامقامی همچون مطهری، بهشتی، باهنر، و روحانیون برجسته ای نظیر حضرت آیت الله خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، مهدوی کنی، مشکینی و... را می توان از پیشتازان این دوره نام برد. در این دوره، روحانیت به حضور کیفی توجه داشت و کمتر به حضور کمی و فراگیر می اندیشید. این دوره از سال ۱۳۵۷ آغاز، و تا سال ۱۳۶۰ ادامه می یابد. روحانیت در این دوره نقش اول را در فرهنگ سازی جامعه ایفا می نماید.

دوره دوم: استقرار نظام:

این دوره با خیانت لیبرال هایی نظیر ابوالحسن بنی صدر - اولین رئیس جمهور ایران که مخلوع و فراری شد - جنایات گروهکها و منافقین، و ترور بخش قابل ملاحظه ای از سران انقلاب؛ ماند حادثه هفتم تیر ۱۲ و هشتم شهریور ۱۳ همراه بود. این حوادث به رغم خسارات فراوانی که برای جامعه به بار آورد، منجر به عدم اعتماد فراگیر و گسترده افکار عمومی به غیر روحانیان گردید و فشار افکار عمومی، روحانیت را به حضور گسترده و فراگیر در عرصه اداره جامعه فرا خواند. این امر به گونه ای بود که حضرت امام خمینی (ره) که مخالف حضور روحانیت در رأس امور اجرایی بودند، موافقت خود

را با پذیرش ریاست جمهوری توسط روحانیان اعلام کردند^{۱۴} این دوره از سال ۶۰ آغاز و تا پایان جنگ تحمیلی و ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در سال ۱۳۶۸ ادامه می‌یابد.

در این دوره، روحانیت، اساسی‌ترین عنصر تأثیر گذار، در عرصه فرهنگ، سیاست و حکومت در ایران است و فراخوان و بسیج مردم برای حضور در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل و همراهی روحانیان با رزمندگان، پیوندی از سخن و عمل را به نمایش می‌گذاشت. روحانیون نیز چون سایر اقشار مردم در جبهه‌های جنگ به شهادت می‌رسیدند و فرزندان آنان نیز در زمره شهدا، جای می‌گرفتند. بخش عمده تاملین و تولید افکار و اندیشه‌های اعتقادی و سیاسی جامعه و پاسخگویی به برخی شبهات، نیز بر دوش روحانیون قرار می‌گیرد. بی‌تردید سالهای نخست این دوره، به جهت برجستگی خصلت مردمی روحانیت و ایفای رسالت خطیر فرهنگی - اجتماعی، از بی‌نظیرترین دوران است.

در این دوره، همواره بالاترین آرای انتخابات از سوی مردم، به روحانیان اختصاص داشت.^{۱۵}

دوره سوم: دوران ثبات نظام:

این دوره با پایان یافتن جنگ، تغییرات گسترده در قانون اساسی و اعطای اختیارات ویژه به رئیس جمهور آغاز شد. انبوهی از پرسشهای بدون پاسخ از دوره‌های گذشته - به علت جنگ و مسائل امنیتی و... - به این دوره منتقل گردید. صف‌بندیهای جدیدی در میان روحانیان به وجود آمد که بخشی از آن، به اختلاف سلیقه و عقیده مربوط می‌شد، و اما بخش دیگر آن، درباره نحوه حکومت و نیز عدم حضور روحانیان در اداره جامعه بود. «دوران سازندگی» که «توسعه اقتصادی» را به مثابه ایدئولوژی نجات بخش کشور می‌دانست، موجب گردید که همه افکار و اندیشه‌ها و منابع و امکانات به سوی سازندگی بسیج گردد و اذهان و افکار مدیران جامعه از «آزادی» و «عدالت» که دو خواسته دائمی جامعه ایرانی در تاریخ معاصر بوده و از آرمانهای بلند انقلاب اسلامی محسوب می‌گردد، به حاشیه رانده شود. همین امر خود پیامدهایی نظیر شکل‌گیری و گسترش گسست میان روحانیت و مردم را سبب گردید.^{۱۶} شاید هیچ امری مانند «اشرافی‌گری» و

«تجمل گرایی» عده اندکی از روحانیان در این دوره، به آرمانها و اندیشه‌های افکار عمومی لطمه وارد نکرد؛ چرا که مردم گرایش برخی از روحانیان را که باید سمبل و نماد ساده زیستی و پاسدار حقوق ملت قلمداد می‌شدند، خلاف آموزه‌های دینی، سیره و سنن پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) و علی (ع)، و نیز رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری می‌دانستند.

با کمال تأسف، در این دوره، نقش روحانیت در برپایی فرهنگی ملت ایران با پرسشها و ابهامات فراوانی مواجه شد. پاسخ ندادن به موقع، به پرسشهای موجود، پاسخهای غیر واقعی به پرسشهای موجود و تأویل و تفسیرهای انحرافی و التقاطی از ایدئولوژی انقلاب و شکل‌گیری گفتمانهای سکولاریستی در جامعه را، باید از جمله دلایل این عدم موفقیت و ابهامات آن برشمرد.

اما شاید مهمترین آسیب وارده به ارتباط روحانیت و مردم در این دوره، همانا غیر پاسخگو بودن لایه‌هایی از روحانیت در برابر مطالبات حقیقی مردم و دوری گزیدن آنان از پاسداری از حقوق ملت بود؛ به گونه‌ای که در افکار عمومی، زمزمه‌های خطر شکل‌گیری «دین دولتی» مطرح بود. این دوره تا سال ۱۳۷۶ ادامه می‌یابد.

دوره چهارم: از دوم خرداد ۱۳۷۲ تا کنون:

در این دوره، با عنوان «قرائتهای متعدد از دین» و «عدم پذیرش قرائتهای رسمی»، نوعی سردرگمی در میان نسل جوان را مشاهده می‌کنیم. این رویکرد، هر چند موجب انفتاح دیدگاههای مختلف - که خود دستاورد بزرگی برای جامعه محسوب می‌گردد - شده است، اما نوعی سردرگمی و پریشانی را نیز در پی داشته است. برخی صف بندیها در درون روحانیت نیز، مزید بر این علت شده است. استاد شهید، مرتضی مطهری نفوذ اندیشه‌های بیگانه، تجدد گرایی افراطی،^{۱۷} رخنه فرصت طلبان، ابهام طرحهای آینده و تغییر جهت دادن اندیشه‌ها را؛ از جمله آفات انقلاب اسلامی می‌داند.^{۱۸} متأسفانه باید گفت:

«در این دوره آفتهای مذکور، بیش از پیش خودنمایی و عرض اندام نموده و آسیب بزرگی، بر حسن ارتباط روحانیت و مردم وارد کرده است. به گونه‌ای که در این دوره روحانیت کمتر فرصت خدمت به مردم را داشتند و بیشتر وقت خود را صرف پاسخ به

چالشهای مطروحه کرده‌اند. کاهش آرای روحانیون در انتخابات چند سال اخیر، تنها نمونه‌ای از این مدعاست.»

هـ نتیجه‌گیری

بی‌تردید روحانیت با پیشینه و تاریخ گذشته‌ای که دارد، از نقاط ممتازی برخوردار است. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمودند: «مملکت بدون روحانی، مانند کشوری بدون طبیب است» روحانیت به سان طبیب روحانی مردم هستند و مردم حلال و حرام خود را از آنان اخذ می‌نمایند. مرحوم دکتر علی شریعتی - جامعه‌شناس مشهور - بر آن است که نام هیچ روحانی در زیر پای قراردادهای استعماری نیست و نام روشنفکران غیر دینی خارج رفته چون مهندس و پزشک... در زیر قراردادهای استعماری آن ثبت و ضبط است. مرحوم جلال آل احمد، برداشتن شیخ فضل‌ا... نوری را علامت استیلاي غرب و غریب‌دگی می‌داند. لذا روحانیت دراستقلال‌طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار و استثمار، همواره نقش اول را در تاریخ ایران داشته است. مساجد بزرگترین نهاد مدنی (N.C.O) در اختیار روحانیت است.^{۱۹} هم اکنون بیش از ۷۰ هزار مسجد در کشور در شبکه روحانیت قرار دارد. «خمید مولانا» صاحب‌نظر برجسته جهانی در علم ارتباطات معتقد است که بزرگترین و مردمی‌ترین شبکه‌ی نهادهای مردمی در دنیا، در اختیار روحانیت شیعه در ایران است. حال اگر این آمار را، طبق محاسبات موجود، ۶۹۴۹ امامزاده و زیارتگاه، ۱۴۳ دارالتبلیغ، ۵۵ مصلی، ۲۶۳ مهدیه^{۲۰} فرض کنیم امکان گسترده‌ای در اختیار روحانیت قرار دارد.

روحانیت شیعه در تاریخ ایران همواره در کنار فرهنگ، دین، مقابله با استبداد و استعمار و یاور مردم؛ معنا و مفهوم یافته است. بسیاری از میراث‌های ماندگار فرهنگی - دینی ما، مدیون روحانیت شیعه است. «مفاتیح الجنان» اثر شیخ عباس قمی - که معارف گرانقدر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را در خود جای داده است - دنیایی سرشار از اخلاق، معنویت و خودسازی و راهنمای عمل مؤمنان برای زندگی است؛ «اصول کافی» اثر شیخ کلینی در چهار جلد و شانزده هزار حدیث؛ «من لایحضره الفقیه» اثر شیخ صدوق با ۵۹۲۰ حدیث؛ «تهذیب الاحکام» اثر شیخ طوسی با ۱۳۵۹۰ حدیث و «استبصار» اثر شیخ طوسی مشتمل بر ۵۵۱۰ حدیث به عنوان کتب اربعه منابع دست

اول فقه شیعه را شامل می‌گردد که همگی از آن روحانیت است.^{۲۱}

این آثار در کنار میراث‌های فاخری نظیر: «بحار الانوار»، «وافی» و «وسائل الشیعه»^{۲۲} از نبوغ خیره‌کننده روحانیت در امر فرهنگ و دین حکایت می‌کند. نقش بزرگ روحانیت در اشاعه و گسترش فقه، اصول، فلسفه، حکمت، عرفان، قرآن، تفسیر و قرائت، نشر و تبلیغ اسلام بی‌بدیل است.^{۲۳}

و در سالیان اخیر، کتاب «الغدیر» اثر «علامه امینی» که دایرةالمعارف بزرگ تشیع و امام علی(ع) محسوب می‌گردد و کتابخانه بزرگ «آیت الله مرعشی نجفی» که بی‌نظیرترین کتابخانه اسلامی در کشور محسوب می‌گردد را باید، از خدمات بزرگ فرهنگی روحانیت به حساب آورد. سالها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، روحانیان والامقام و برجسته‌ای مانند آیت الله دکتر بهشتی، دکتر باهنر، ابراهیم امینی و گلزاده غفوری در تدوین کتب دینی مدارس - که نقش مهمی در جلوگیری از انحراف و سرقت در آثار اسلامی داشت - را بر عهده داشتند.

بخش عمده آثار مکتوب در عرصه فرهنگ دینی متعلق به روحانیت است. اصولاً روحانیت از سنگر موعظه، خطابه و مسجد به تبلیغ و نشر اسلام بهره گرفته‌اند و با تکیه بر فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» به روشنگری جامعه پرداخته‌اند. استقلال واقعی ایران در طول تاریخ مدیون روحانیت و حضور آن در صحنه بوده است. هرگاه تمامیت ارضی، استقلال و منافع ملی کشور به خطر افتاده است، روحانیت در دفاع و پاسداری آن، نقش اول را ایفا کرده است. فتوای میرزا محمد مجاهد بر علیه تجاوز روسها در دوران محمدشاه، فتوای میرزای شیرازی در تحریم استعمال توتون و تنباکو در زمان ناصرالدین شاه، مجاهدات شیخ فضل‌الله نوری برای استقرار مشروطه مشروعه در زمان مظفرالدین شاه، مبارزات و مجاهدات مرحوم مدرس در مقابله با استبداد رضاشاه و استعمار بیگانگان، مرحوم نواب صفوی و مجاهدات او در برابر انحرافات دینی و ناهنجاریهای جامعه در زمان محمد رضا شاه، آیت الله کاشانی و نقش بزرگ ایشان در قیام سی تیر و جریان ملی شدن نفت در سالهای ۳۲-۳۰ در زمان محمد رضاشاه و بالاخره نقش بی‌بدیل و ماندگار حضرت امام خمینی (ره) در مقابله با استبداد شاه و استعمار و استکبار، و تلاشی که برای استقرار حکومت اسلامی به جای سلطنت، با تحمل سالها حبس و تبعید، متحمل گردید، نمونه‌هایی از نقش آفرینی و مبارزه‌های

روحانیت متعهد در پویایی فرهنگ مردم ایران زمین بوده است. بی تردید رمزماندگاری و بقای چنین موفقیتی، مرهون حفظ نقاط قوت و امتیازات روحانیت و برطرف کردن نقاط ضعف آنهاست. تمام تلاش نگارنده در این یادداشت، معطوف به این جمله است که «استقلال و پویایی فرهنگ ایران زمین، پیوندی انفکاک‌ناپذیر با روحانیت داشته است» بر همه ما، و مقدم بر همه، خود روحانیت است که ضمن بازنگری در سازمان خود به رفع آسیب‌ها پرداخته و همچنان عنصری نقش آفرین، در جامعه باشند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. حسن عمید، فرهنگ فارسی، جلد اول، چاپ هشتم (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴)، صص ۱۰۶۷-۱۰۶۸.
۲. همان - ص ۱۷۸۳.
۳. حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، چاپ دوم (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۵)، ص ۲۲.
۴. رجوع کنید به: مصاحبه نگارنده با فصلنامه پژوهشی اندیشه‌های انقلاب اسلامی پیرامون فرهنگ و توسعه فرهنگی، سال دوم شماره پنجم (۱۳۸۲)، ص ۸۵.
۵. رجوع کنید به: مقاله «تبادل فرهنگ‌ها»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ششم (۱۳۷۹): ص ۷.
۶. برای نمونه به دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری بنگرید: «کسانی که آرزوی اعتلای آئین مبین اسلام را در سر دارند و درباره علل ترقی و انحطاط مسلمین در گذشته دور و نزدیک می‌اندیشند، نمی‌توانند درباره دستگاه رهبری آن؛ یعنی سازمان مقدس روحانیت، نیندیشند و آرزوی ترقی و اعتلای آنرا در سر نداشته باشند و از مشکلات و و نابسامانیهای آن رنج نبرند. زیرا قدر مسلم اینست که هر گونه صلاح و اصلاحی که در کار مسلمین رخ دهد، یا باید مستقیماً به وسیله این سازمان که سمت رسمی رهبری دینی مسلمین را دارد صورت بگیرد و یا لاقلاً این سازمان با آن هماهنگی داشته باشد...» رجوع کنید به: مشکل اساسی در سازمان روحانیت، صص ۳-۴.
۷. البته بیان این سخنان به معنای نادیده انگاشتن برخی اشکالات و نواقص جدی در سازمان روحانیت نیست، استاد شهید مرتضی مطهری که از برجسته‌ترین نظریه پردازها و رهبران انقلاب اسلامی محسوب می‌گردید، سالها پیش از وقوع انقلاب اسلامی (۱۳۴۱) اهم این اشکالات را بیان کرده است که بدین مضمون می‌باشد: آزادی بی‌حد و حصر لباس روحانیت و فقدان یک سازوکار کنترل‌کننده، افراط در مباحثه به گونه‌ای که طلاب را از واقع بینی در مسائل اجتماعی دور می‌کند، بودجه روحانیت شیعه که وابسته به دولت نیست و از مردم ارتزاق می‌کند؛ شهید مطهری، این عدم وابستگی به دولت را یک امتیاز بزرگ روحانیت شیعه نسبت به روحانیت اهل تسنن بر می‌شمارد. وی از خطر و آفت بزرگی به نام «عوام زدگی» یاد می‌کند. شهید بزرگوار بر این باور است که اتکای روحانی به مردم، موجب قدرت می‌گردد اما حریت را از دست می‌دهد...» برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: استاد شهید مرتضی مطهری، ده گفتار، (تهران: انتشارات حکمت)، صص ۲۷۵-۲۳۹.
۸. علی داریابی، سیاستمداران اهل فیضیه، چاپ دوم (تهران: سیاست، ۱۳۸۱)، صص ۱۴۰-۱۳۶.
۹. حمید عنایت، پیشین، ص ۱۶.
۱۰. رسول جعفریان، چالش‌های فرا روی مرجعیت شیعه (۲ و ۱)، سایت بازتاب، ۲۰۰۳/۷/۹.

۱۱. سید حمید روحانی [زیارتی]، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (ره)، ۲ جلد، (تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱).
۱۲. در حادثه هفتم تیر، که محصول ائتلاف مشترک نفاق و لیبرالیسم با حمایت استکبار جهانی بود، ۷۲ تن از یاران انقلاب، از جمله جمعی از اعضای کابینه دولت، تعدادی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، جمعی از مقامات قضایی و در رأس همه، شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی، در اثر انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ به شهادت رسیدند.
۱۳. در هشتم شهریور ۱۳۶۰ نیز، در اثر انفجار بمب توسط گروهک منافقین در دفتر نخست وزیری، شهیدان محمد علی رجایی - رئیس جمهور وقت - حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر - نخست وزیر وقت - و تنی چند از مقامات نیز، ایران به شهادت رسیدند.
۱۴. برای مطالعه پیرامون دلایل مخالفت حضرت امام خمینی (ره) با تصدی امور اجرایی توسط روحانیت، رجوع کنید به: علی داریابی، انتخاب هشتم؛ تحلیلی بر هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری چاپ دوم (تهران: نشر سیاست، ۱۳۸۱)؛ صص ۴۷-۵۰.
۱۵. ناگفته نماند که این دوره به رغم امتیازات ویژه‌ای که داشت، آفت مهمی را به سازمان روحانیت و تأثیری منفی بر کارکرد آن نیز گذاشت؛ چرا که در سایه فضای تروریستی که منافقین عامل آن بودند، مسئله حفاظت و استفاده از منازل خاص برای لایه‌هایی از روحانیت مطرح گردید، که چون به طور صحیح، مدیریت و نظارت نگردید، استمرار آن در سالهای بعد خود لطمه‌ای جدی، به مردی بودن روحانیت وارد کرد.
۱۶. علی داریابی، کارگزاران سازندگی از فراز تا فرود، چاپ دوم (تهران: سیاست ۱۳۸۱)؛ ص ۵۹.
۱۷. در حقیقت منظور از تجدید گرائی افراطی، عبارت است از آراستن اسلام به آنچه از اسلام نیست و پیراستن آن از آنچه از اسلام هست. رجوع کنید به: استاد شهید مرتضی مطهری، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، چاپ یازدهم (تهران: نشر صدرا، ۱۳۶۷)؛ ص ۹۲.
۱۸. همان، صص ۸۷-۱۰۰.
۱۹. «لستر سالامون» استاد دانشگاه «جان هاپکینز» و «مرکز مطالعات نهادهای مدنی» نه مشخصه را برای N.C.O ضروری می‌داند که عبارت است از: به صورت رسمی شکل گرفته باشد، غیر دولتی، مستقل، بدون سود، داوطلبانه، عضوپذیر، غیر سیاسی، دارای نظام باز (شفاف و حساب‌پذیر) و همچنین فعالیت آن، در جهت منافع همگانی باشد.
۲۰. سیاستمداران اهل فیضه، پیشین، ص ۱۵۶.
۲۱. استاد مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ دهم (تهران: صدرا، ۱۳۵۹)؛ صص ۴۷۳-۴۷۱.
۲۲. «بحارالانوار» اثر محمد باقر مجلسی، «واقی» اثر ملا محسن فیض کاشانی و «وسائل الشیعه» اثر شیخ حر عاملی، از جمله منابع معتبر و بی‌بدیل فقه شیعه محسوب می‌گردد.
۲۳. خدمات متقابل اسلام و ایران، پیشین.